

در محضر نور

امام حسن عسکری ^{علیه السلام}

اِنَّقُوَاللهُ وَكُونُوا رَئِنَا وَلاَتَكُونُوا شَيْئَنَا، جُزْوا اِلَيْنَا كُلَّ مَوْدَةٍ، وَاذْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ.

از خدا پروا کنید و مایه زینت باشید و مایه ننگ نباشید؛ همه محبّت‌ها را به سوی ما جلب کنید و همه زشتی‌ها را از ما دفع کنید.

میزان الحکمة ۵: ۲۴۱ ح ۹۹۷۶



واقعیت‌های اقتصاد ایران

از نگاه رئیس مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه

تنها راه برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، عمل به الگوی اقتصاد مقاومتی بوده و باید شاهد تغییر رویکرد و جهت‌گیری اقتصادی دولت، به الگوی اقتصاد مقاومتی بود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی، رئیس



اما از سوی دیگر جهت‌گیری‌های اقتصادی اشتباه، موجب بی‌ثباتی بازارهای ارز، پول، کالاها، فاصله طبقاتی، بی‌عدالتی اقتصادی و سرانجام مشکل سفره و معیشت مردم شده است. آنچه رهبری معظم از عملکرد اقتصادی دولت ارائه فرمودند، یک تحلیل واقع‌بینانه و عالمانه است؛ یعنی اقدامات مفید و مؤثر اقتصادی، در کنار فاصله طبقاتی، بی‌عدالتی اقتصادی و تورم و افزایش قیمت‌ها.

● ۳. بر این باور هستیم که علت اصلی مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، عدم توجه کافی دولت محترم در عمل به الگوی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های ابلاغ‌شده آن است. از دیدگاه رهبری معظم، کشور جمهوری اسلامی ایران در شرایط جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار دارد و الگوی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلان آن برای مقابله با این جنگ و دفاع از مرزهای اقتصادی ایران ارائه و ابلاغ شده است.

● ۴. با توجه به روشن بودن راه برای رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، دولت باید گروه اقتصادی که از بن ندانن معتقد به اقتصاد مقاومتی باشد، به‌کار می‌گرفت تا برنامه‌های عملیاتی سیاست‌های بیست و چهارگانه اقتصاد مقاومتی را براساس مؤلفه‌های آن ارائه دهد و اولویت‌های اقتصادی را بر پایه آنها مشخص نماید؛ اما با دریافت جهت‌گیری‌های غلط، به‌جای عمل به الگوی اقتصاد مقاومتی، به سمت سند تحول اقتصادی رآورده است. آن هم سندی که از محتوای آن کاملاً آشکار است که با مبانی و پشتوانه اندیشه‌های نظام سرمایه‌داری نوشته شده و در صورت عملیاتی شدن آن، نمی‌توان به حل مشکلات اقتصادی کشور و معیشت مردم و گسترش سفره آنان امیدوار بود؛ کما اینکه تجربه دو سال گذشته آن را نشان داده است. به‌همین جهت رهبری معظم درباره برنامه هفتم، عالمانه تأکید نمودند که هر اقدامی انجام می‌دهید باید به چند امر مهم مثل عدالت، کم کردن فاصله طبقاتی، ثبات بازار ارز و تثبیت قیمت بازار کالا توجه داشته باشید.

این امر زمانی محقق می‌شود که دولت محترم و انقلابی جناب آقای دکتر رئیس، به‌صورت کامل به الگوی اقتصاد مقاومتی عمل نمایند تا انتظارات رهبری معظم و مردم برآورده شود.

● ۵. متأسفانه در مسیر و مقصد اقتصادی دولت آقای دکتر رئیسی جهت‌گیری‌های غلطی نسبت به اقتصاد مقاومتی وجود دارد که لازم می‌دانم، به برخی از آنها –که بارها به ایشان و اعضای محترم اقتصادی دولت‌شان تذکر داده شده– اشاره نمایم:

● * زمانی که دولت جناب آقای دکتر رئیسی با اقدامات موقفی مثل مدیریت کرونا، جلوگیری از ساحل‌خواری، حذف امضاهای طلایی در حال بازسازی و ارتقای سرمایه اجتماعی بود، اولین جهت‌گیری غلط ارائه سند تحول اقتصادی با پشتوانه اندیشه‌های نظام سرمایه‌داری

سخن بزرگان

آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی

علماء وظیفه‌شان این است که هم از آن سابقه خود پاسداری کنند و هم از سابقه ساختار خلقت حمایت کنند، نگذارند چهل پیدا بشود؛ چون اگر خدای ناکرده جامعه‌ای جاهل بود، هم بیراهه می‌رود، هم راه دیگران را می‌بندد و اگر عالم بود، نه بیراهه می‌رود و نه راه دیگران را می‌بندد.

شوک ارزی، شوک قیمتی دیگری بر سفره و معیشت مردم تحمیل شد. بر اساس مطالب پیش‌گفته، برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و رفع فقر، کاستن شکاف طبقاتی، تحقق عدالت اقتصادی، ثبات بازار کالا و ارز و… چند اقدام اساسی و تحولی پیشنهاد می‌شود:

الف) جهت‌گیری و رویکرد اقتصادی دولت باید اصلاح شود و دولت، عمل به الگوی اقتصاد مقاومتی را به‌صورت واقعی – نه فقط در حرف– تنها رویکرد و جهت‌گیری اقتصادی خود قرار دهد. نظام جمهوری اسلامی ایران در طول چند دهه گذشته، خدمات گسترده‌ای را به دهک‌های پایین جامعه ارائه داده است؛ به‌گونه‌ای که به‌حق می‌توان مدعی شد که متوسط دسترسی به امکانات رفاهی خانوارهای ایرانی بر اساس شاخص‌های اقتصادی رسمی، نسبت به متوسط دسترسی به امکانات رفاهی پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا وضعیت قابل قبولی است؛ اما برای رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمان‌های اقتصادی انقلاب اسلامی، به انقلاب اقتصادی و زدودن تفکر غلط نظام سرمایه‌داری لیبرال از همه بخش‌های اقتصای ایران و ایجاد ریل‌های جدید اقتصادی نیاز داریم که رهبری معظم، الگوی انقلاب اقتصادی را که همان الگوی اقتصاد مقاومتی باشد، ارائه داده‌اند. به‌یقین فهم درست الگوی اقتصاد مقاومتی و عمل به آن، کشور عزیز ایران را با سرعت قابل قبولی در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار خواهد داد.

ب) لازم است شورای راهبری اقتصاد مقاومتی، زیر نظر سران قوا با هدف برنامه‌ریزی برای اجرایی نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در چارچوب مؤلفه‌های آن و رهنمودهای ارائه‌شده مقام معظم رهبری و نیز مقابله با نقشه‌های اقتصادی دشمنان ملت ایران تشکیل شود و همه نهادهای حاکمیتی ملزم به رعایت مصوبات آن باشند. همچنین همه برنامه‌ها از جمله برنامه هفتم به‌عنوان نقشه راه پنج‌ساله آتی براساس الگوی اقتصاد مقاومتی بازویسی گردند. این شورا لازم است، به‌طور دائم نقشه‌های دشمنان را در عرصه جنگ تمام‌عیار اقتصادی رصد کند و اقدامات آفندی و پدافندی لازم را برای خنثی نمودن آن نقشه‌ها ارائه و عملیاتی نماید تا دشمنان انقلاب اسلامی مأیوس گردند.

ج) اعضای اصلی اقتصادی دولت باید کسانی باشند تا فهم درستی از اقتصاد مقاومتی داشته‌واز بن دندان معتقد به آن باشند. رهبری معظم در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ خطاب به دولت فرمودند: «تجربه‌ها و عناصر مجرب داریم؛ کسانی هستند که کارآزموده‌اند، کار کرده‌اند، می‌شناسند، بلدند؛ از همه اینها باید استفاده بشود.» معلوم است این افراد کسانی هستند که در گذشته براساس رهنمودهای رهبری در عرصه اقتصادی عمل کرده و موفق بودند و باید از آنها برای برون‌رفت از معضلات اقتصادی و معیشتی مردم استفاده شود.

د) در اقتصاد ایران یک چرخه باطل سه گانه وجود دارد که علت اصلی سایر مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است. در این دور باطل، باید ریشه اصلی را شناخت و آن را از بین برد:

چرخه اول، وادادگی ارزی و افزایش قیمت آن و کاهش قدرت پول ملی: تجربه گذشته اقتصاد ایران نشان داد که وادادگی ارزی، موجب مشکلات فراوانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی شده است. وقتی وادادگی ارزی باعث می‌شود که قیمت ارز مسلط بر اقتصاد ایران افزایش پیدا کند، معنایش آن است که اقتدار پول ملی به‌همان نسبت شکسته شده و قیمت همه کالاها (اعم از کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای) و نیز خدمات و دستمزدها افزایش پیدا کند. این امر هزینه‌های سنگینی را برای همه بخش‌های اقتصادی از جمله در بخش دولتی ایجاد می‌کند. همچنین هزینه‌های تولید از ناحیه افزایش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه و دستمزدها به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. اقتصاد برای جبران هزینه‌ها ناچار است، وارد چرخه مرحله دوم این دور باطل گردد.

چرخه دوم، خلق پول به‌ویژه توسط بانک‌های خصوصی: برای جبران انواع هزینه‌های افزایش‌یافته، تولیدکنندگان چاره‌ای جز افزایش قیمت کالاهای تولیدی ندارند؛ در غیر این صورت، تولید را تعطیل می‌کنند و سرمایه‌های خود را وارد بازارهای سفته‌بازی می‌نمایند که هر دو جریان، سرانجام به افزایش تورم و به معیشت و سفره مردم صدمه وارد می‌کند. بخش دولتی هم برای جبران هزینه‌های خود یا باید مالیات‌ها را افزایش دهد که این امر در نهایت قیمت کالاهای تولیدی را افزایش می‌دهد و معیشت و سفره مردم را با مشکل بیشتر مواجه می‌کند یا با خلق پول به‌ویژه توسط بانک‌های خصوصی و افزایش حجم نقدینگی، هزینه‌های خود را جبران نماید. تجربه دو دهه گذشته نشان داد که این چرخه نیز، علاوه بر آنکه باعث افزایش شدید قیمت‌ها می‌شود، در کنار وادادگی ارزی چرخه باطل سوم را به دنبال خواهد داشت. چرخه سوم؛ انحصارات گسترده در همه بخش‌های اقتصادی؛ وادادگی ارزی، خلق پول به‌ویژه توسط بانک‌های خصوصی، انحصارات اقتصادی گسترده در بخش‌هایی مثل فولاد، پتروشیمی، معدن، نظام بانکی و به‌طور خلاصه انحصار سرمایه در دست افراد اندکی را به دنبال خواهد داشت. انحصار اقتصادی، قدرت اقتصادی عظیمی برای بخش اندکی از افراد جامعه ایجاد می‌کند که این افراد، قیمت‌پذیر نیستند؛ بلکه آنان

افوج‌وزله

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۶۸
- دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۲
- ۸ صفحه • ۳۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
- سرپرست مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضاستیمی
- سر‌دبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
- تلفن: ۳۳۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۳۳۹۰۰۵۳۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
- نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
- پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
- پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
- امور هنری: سید امیر سجادی
- کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

عطریار

عشق و رازهای ناگفتنی

حافظ شیرازی

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست

منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

ناظر روی تو صاحب نظرانند آری

سر گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

اشک غماز من ار سرخ برآمد چه عجب

خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست

تا به دامن نشینند ز نسیمش گردی

سیل خیز از نظرم رهگذری نیست که نیست

تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند

با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

من از این طالع شوریده برنجم ور نی

بهره‌مند از سر کویت دگری نیست که نیست

از حیای لب شیرین تو ای چشمه نوش

غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز

ور نه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

شیر در بادیه عشق تو روباه شود

آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست

آب چشمم که بر او منت خاک در توست

زیر صد منت او خاک دری نیست که نیست

از وجود قدری نام و نشان هست که هست

ور نه از ضعف در آن جا اثری نیست که نیست

غیر از این نکته ز تو ناخشنود است

در سراپای وجودت هنری نیست که نیست

هستند که برای کالاهای تولیدی، مواد اولیه تولید، کالاهای مصرفی مثل مسکن، خوراکی‌ها، وسیله نقلیه و … قیمت تعیین می‌کنند و حتی با اعمال قدرت در نهادهای تصمیم‌گیر مجریه، مقننه و قضائیه کشور، تأثیرگذار خواهند بود و جریان اقتصادی کشور را علیه طبقات پایین جامعه رقم می‌زنند. با افزایش حجم نقدینگی و انحصارات که منتهی به تورم می‌شود، مجدداً قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند و این دور باطل در اقتصاد ایران همچنان به‌ضرر دهک‌های پایین جامعه سال‌ها ادامه دارد.

هر سه ضلع این دور باطل باید شکسته شود؛ اما سؤال این است که شکسته شدن این دور باطل، از کدام ضلع باید آغاز شود؟ متأسفانه همه دولت‌های گذشته و دولت فعلی تلاش کرده‌اند، با نظارت و کنترل قیمت‌ها در بازار و نیز واردات گسترده کالاها، مانع افزایش قیمت‌ها و فشار بر معیشت و سفره مردم شوند؛ اما این سیاست هرگز جواب نداده و قیمت‌ها راه خود را در پیش گرفتند و اغلب قیمت‌ها در طول چند دهه گذشته چند هزار برابر افزایش پیدا کرده است. ضلع خلق پول و انحصارات در اقتصاد ایران، علاوه بر آنکه معلول وادادگی ارزی است، حل آنها در کوتاه‌مدت امر آسانی نیست؛ بنابراین حل مشکلات اقتصادی ایران در کوتاه‌مدت با تبدیل وادادگی ارزی به مدیریت متمرکز ارز مسلط بر اقتصاد ایران ممکن خواهد شد. در این مورد تجربه‌های موفقی هم داریم.

در سال ۱۳۲۴ با مدیریت متمرکز ارز، تورم از قریب ۵۰ درصد به حدود نصف کاهش پیدا کرد. در چهار سال اول دوره نیم و دهم، ارز مسلط بر اقتصاد ایران در حدود ۱۰۰۰ تومان بود و طبقات پایین جامعه از یارانه‌های ۴۵ هزار تومانی بسیاری از مشکلات معیشتی خود را برطرف می‌کردند؛ اما با تغییر رویکرد اقتصادی همان دولت و جابه‌جایی اعضای اصلی اقتصادی در چهار سال دوم، ارز مسلط بر اقتصاد ایران، ۲۰۰ درصد افزایش و به مبلغ ۳۰۰۰ تومان رسید و به دنبال آن، اقتصاد ایران با افزایش قیمت‌های شدید مواجه گردید و با کاهش قدرت خرید پول ملی، آثار مثبت یارانه‌ها ۴۵ هزار تومانی بسیار تنزل پیدا کرد. در چهار سال اول دولت یازدهم و دوازدهم ارز مسلط بر اقتصاد ایران حدود ۲۰۰۰ تومان بود و تورم به یک رقمی رسیده بود؛ اما در چهار سال بعد، با تغییر اعضای اصلی اقتصادی، ارز مسلط ۹ برابر افزایش و به مرز ۲۷ هزار تومان رسید و به دنبال آن، حجم نقدینگی و قیمت‌ها نیز به‌همین نسبت افزایش پیدا کرد. این تجربه‌ها به‌طور یقین ما را به آن می‌رساند که برای خروج از چرخه دور باطل اشاره‌شده، سیاست مدیریت متمرکز ارز در اولویت قطعی قرار دارد. لازم است توجه شود که گرفتن بخشی از منابع ارزی ایران از صندوق بین‌المللی پول، یا گرفتن ارزهای ایران از برخی کشورها امر مطلوبی است؛ ولی هرگز این امور مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را برطرف نمی‌کند؛ چون این امور قطعاً نوعی تسکین برای اقتصاد ایران است و راه‌حل اساسی برای مشکلات اقتصادی ایران نیست.

در پایان اعلام می‌دارم که سربازان نظام جمهوری اسلامی ایران برای کمک در تغییر رویکرد و جهت‌گیری اقتصادی دولت محترم، به سمت اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی آمادگی کامل دارند و در صورتی که زمینه چنین امری فراهم گردد، از هیچ کمکی به دولت محترم، مؤمن و انقلابی دریغ نخواهند کرد.

احمدعلی یوسفی

رئیس مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه

مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی